

مقاله پژوهشی

بررسی تکوین جنبش تنباکوی ایران با تأکید بر نظریه مارگارت آرچر

میرداود هاشمی^{۱*}، مولود اقبالی^۲

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. کارشناس ارشد طراحی فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

چکیده

تاریخ حاکی از آن است که از عصر باستان تا دوره معاصر، ساختار سیاسی در ایران، استبدادی بوده است. در این شیوه حکومتی، مردم هیچ گونه مشارکتی در اداره امور کشور ندارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، برای اولین بار در تاریخ ایران در جنبش تنباکو، این رابطه سیاسی بین مردم و حکومت به هم خورد. در این جنبش، مردم ایران نسبت به یک امر سیاسی، در مقابل حکومت استبدادی دست به اعتراضی گسترده زدند و از این تاریخ به بعد رابطه بین مردم و حکومت دستخوش تغییر شد. در این راستا، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بود: فرایند تکوین جنبش تنباکو براساس نظریه تلفیقی مارگارت آرچر به چه شکل است؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است. گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات، کتاب‌های دست اول مرتبط و سایر مقالات معتبر علمی بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که واگذاری امتیاز تنباکو هنگامی بود که سال‌ها قبل‌تر از آن یک رابطه دیالکتیکی بین روشنفکران سیاسی و حکومت آغاز شده بود. این رابطه دیالکتیکی در پی شکست ایرانیان از جنگ با روس‌ها آغاز و در دهه آخر حکومت ناصرالدین شاه به اوج خود رسیده بود. روشنفکران در یک رابطه دیالکتیکی، به‌ویژه به شیوه حکومت استبدادی ناصرالدین شاه انتقادات جدی وارد می‌کردند. حال در دل این انتقادات و در پی واگذاری امتیاز تنباکو، شکل‌گیری این جنبش، ابتدا براساس خودآگاهی نیروهای سیاسی داخلی مانند روشنفکران آغاز و نشر این خودآگاهی منجر به اتحاد نیروهای داخلی دیگر مانند کنش‌گران قدرتمند اقتصادی و دینی شد و متعاقب این اتحاد، کنش‌گران عادی نیز به تبعیت از این سه گروه قدرتمند، در مقابل دربار باهم به ائتلافی محکم به رهبری علما دست یافتند. ائتلاف نیروهای داخلی در کنار مخالفت دولت روسیه در جهت منافع خود با انعقاد این قرارداد، موجب ایجاد فشار بر علیه حکومت استبدادی شد و نهایتاً ناصرالدین شاه مجبور شد تا ابطال قرارداد انحصاری تنباکو را اعلام نماید.

واژگان کلیدی: جنبش تنباکوی ایران، دسپوتیسم قاجاری، ریخت‌یابی، کنش‌گرایی، رویکرد تلفیقی آرچر.

مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، از جنبش تنباکو به عنوان اولین جنبش سراسری مردم ایران نام می‌برند. در این برهه از تاریخ، مردم ایران تحت مدیریت کنش‌گران قدرتمند سیاسی، دینی و اقتصادی به رهبری علما در مقابل حکومت استبدادی، مخالفت خود را از واگذاری انحصار توتون و تنباکو به یک شرکت انگلیسی، اعلام کردند. به زعم هر یک از کنش‌گران قدرتمند سیاسی، دینی و اقتصادی، واگذاری انحصاری توتون و تنباکو تبعات مختلفی را برای کشور به بار می‌آورد. در خصوص واگذاری انحصاری توتون و تنباکو، کنش‌گران سیاسی، استقلال سیاسی ایران را در خطر می‌دیدند و کنش‌گران دینی و در رأس آن روحانیون، استقلال فرهنگی و نفوذ مظاهر و تمدن فرهنگ غربی را در یک کشور اسلامی یک تهدید به‌شمار می‌آوردند. کنش‌گران قدرتمند اقتصادی نیز از مشکلات اقتصادی که برای جامعه کشت و صنعت تنباکو، حاصل می‌شد، اعتراض می‌کردند. واگذاری انحصاری توتون و تنباکوی ایران به تالبوت انگلیسی، در سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا، به وی پیشنهاد شد و پس از مذاکره در شهر برایتن، شخص شاه واگذاری انحصار توتون و تنباکو را به تالبوت وعده داد. پس از یکسال، این قرارداد امضا شد و با امضا این قرارداد، خرید و فروش و صدور توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال به شخص تالبوت واگذار شد. امضا این قرارداد، هر عملی در مورد تنباکو را به کسب اجازه از ماژو تالبوت مشروط ساخت. جنبش تنباکو، در حدود سال ۱۸۹۰ میلادی در ایران به وقوع پیوست و برای نخستین بار در رابطه سیاسی بین حکومت و مردم تغییراتی به وجود آورد. تا این زمان، شیوه‌های حکومتی در تاریخ ایران از عصر باستان تا دوره معاصر، استبدادی بوده است. حکومت استبدادی عبارت است از حاکمیت بی‌قانونی که مبتنی است بر رابطه خدایگان بنده یا شبان-رمه، رابطه‌ای که شکل به اصطلاح سیاسی آن رابطه سلطان-رعیت نامیده می‌شود. در چنین رابطه‌ای، مقام سلطان و شاه یا به وسیله فره ایزدی یا به عنوان ظل‌الهی، قدسیت می‌یابد. از این رو شاه سلطان، نظر اقتدار و فرمانروایی مطلق دارد؛ بی آنکه هیچ مسئولیت مشخص و نهادینه شده‌ای در برابر مردم داشته باشد (قاضی مرادی، ۱۳۸۷، ۲۷). بررسی فرایند شکل‌گیری جنبش تنباکو نشان می‌دهد که این جنبش در دل یک ساختار سیاسی استبدادی و در حکومت استبدادی ناصرالدین شاه به وقوع پیوست. شمیم، محقق تاریخ دوره قاجار بر آن است که ناصرالدین شاه نیز مردی مستبد به رأی و خودخواه بود، با آن که هیئت وزیران را برگزید، آنان را در کارهای مملکت اختیار نداد، به‌طوری که هیچ وزیر و مأمور عالی‌رتبه‌ای جرأت و جسارت آن را نداشت که بدون اجازه شاه کاری انجام دهد و همگی او را تواناترین رجال سیاسی

کشور، ظل‌الله و اطاعت از فرمان او را به منزله اطاعت از فرمان الهی می‌دانستند. بدین ترتیب زمام کلیه امور کشور، در دست شخص ناصرالدین شاه بود (شمیم، ۱۳۸۹، ۱۶۷-۱۸۵). همزمان با دوره حکومت استبدادی ناصرالدین شاه، مصادف با اوج نفوذ فرهنگ و تمدن غربی بر جامعه ایرانی بود. این نفوذ قابل توجه که در پی شکست ایرانیان در جنگ با روس‌ها و در مواجهه با تمدن غربی اتفاق افتاده بود، به‌ویژه در حوزه سیاسی بر بخشی از نخبگان ایرانی مؤثر افتاده و آرام‌آرام این تفکر شکل گرفت که علت اصلی انحطاط جامعه ایرانی، حکومت‌های استبدادی است. پیرو این تفکر، روشنفکران شروع به انتقاد از این شیوه حکومت‌رانی کردند. به‌طور مثال، ملکم خان از روشنفکران دوره قاجار بر آن است که حکومت ناصرالدین شاه رها از قید و بند قانون، تشکیلات و ضوابط نظارت و موازنه است و بنابراین «یکی از مستبدانه‌ترین سلطنت‌های عالم» محسوب می‌شود. هنگامی که وی محدودیت‌های قانونی شاه بریتانیا را به ناصرالدین شاه توضیح داد؛ شاه جواب داد: «پس این شاه تو بیش از یک قاضی‌القضات نیست، چنین اختیارات محدود شاید دوام یابد اما هیچ لطفی ندارد، در حالی که من می‌توانم همه این اعیان و اشراف را که دور و برم می‌بینی به اوج ببرم یا به مذلت افکنم» (آبراهامیان، ۱۳۸۰، ۴۳). روشنفکران این دوره به‌ویژه با اثرپذیری از انقلاب فرانسه، خواهان ایجاد کنترل قدرت بی‌حد و حصر پادشاه بودند. روشنفکران با چاپ افکار خود در روزنامه‌ها، به تدریج دامنه آگاهی در بین آحاد جامعه را نیز وسعت می‌بخشیدند. ناظر بر این، دهه آخر حکومت ناصرالدین شاه، مصادف با اوج آزادی‌خواهی در ایران بود که روشنفکران ایرانی تحت تأثیر انقلاب فرانسه در پی آن بودند. ریشه این جریان فکری از زمان جنگ‌های ایران و روس بود که در این دوره به اوج خود رسیده بود. حال در این هنگام بود که خبر واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به ماژور تالبوت، ابتدا در بین کنش‌گران قدرتمند (اقتصادی، دینی، سیاسی) و آرام‌آرام در بین کنش‌گران عادی نیز منتشر شد.

پیشینه پژوهش

به لحاظ تاریخی این اولین نقش‌آفرینی مردم در خصوص تصمیمات امور کشوری بود و از این لحاظ جنبش تنباکو، به لحاظ مبارزه با استبداد حکومتی اهمیت اساسی دارد. در این رخداد، تلاش روشنفکران ایرانی، که از ابتدای قرن ۱۹ آغاز شده بود، به بار می‌نشست و جریانی اصلاحی که از زمان عباس میرزا شکل گرفته بود، در عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی خود را به وضوح نشان می‌داد. بررسی پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که این تحقیقات را می‌توان در دو گروه روایی و تحلیلی جمع‌بندی کرد. پژوهش‌های روایی بدون توجه به تئوری‌ها

تنباکو دارد. در مقابل نظریه تلفیقی آرچر، نظریه‌های ساختاری به عنوان نظریه رقیب به‌طور ضمنی در این تحقیق، مطرح نظر خواهد بود. در نظریات ساختارمحور، وقتی به کنش‌گران داده نمی‌شود، بلکه همه کنش‌گران، محصول تولید ساختارها در نظر گرفته می‌شوند. ناظر بر این در نظریه ساختارمحور، جنبش تنباکو، نه به کنش‌گری نیروهای سیاسی داخلی، بلکه نقش نیروهای خارجی، به‌ویژه روسیه را بسیار اساسی می‌دانند و نیروهای داخلی را نیز، پیاده نظام دولت روس در این جنبش به‌شمار می‌آورند.

سؤال پژوهش

ناظر بر این، سؤال این تحقیق بدین شرح صورت‌بندی می‌شود: فرایند تکوین جنبش تنباکو براساس نظریه تلفیقی مارگارت آرچر به چه شکل است؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است. گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، کتاب‌های مرتبط به‌ویژه منابع دست اول در خصوص موضوع و همچنین سایر مقالات معتبر علمی بوده است.

مبانی نظری

سیر تحول نظریه‌های جامعه‌شناسی حاکی از مجادلات و تقابل‌های علمی بین دو گروه جامعه‌شناسان است. گروهی که در تبیین پدیده‌های اجتماعی بر ساختارها تأکید می‌کنند و گروهی که به معنا و کنش‌های انسانی اهمیت می‌دهند. در حالت کلی ساختارگرایی تصریح می‌کند که عاملان آگاه، آفریننده آن نظام یا سیستم معنایی نیستند که در آن زندگی می‌کنند به‌عکس در مقام سوژه‌های اجتماعی، آنان آفریده این نظام یا سیستم هستند که در درون آن زندگی می‌کنند (فی، ۱۳۸۱، ۹۴ و ۹۵). در این تعبیر ساختارگرایان سعی در انسان‌زدایی از علوم اجتماعی دارند و بر آن هستند تا ساختارهای گوناگونی همچون ساختار منطقی ذهن، زبان، عناصر مختلف سازنده جامعه یا جامعه را به معنای عام آن، جایگزین انسان‌ها کنند و فرض را بر آن می‌گذارند که کنش‌های مردم از ساختار شالوده‌ای افکار سرچشمه می‌گیرد (توحید فام و امیری، ۱۳۸۸، ۹۰). در مقابل، در سنت‌های هرمنوتیکی، ذهنیت و آگاهی شالوده علوم اجتماعی است و در جامعه‌شناسی‌های تفسیری در توضیح کردار انسان به کنش و معنا اولویت داده می‌شود و مفاهیم ساختاری رواج قابل توجهی ندارند (گیدنز، ۱۳۸۳، ۱۲۶). دو رهیافت مزبور، در

و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، صرفاً به وقایع‌نگاری این جنبش پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی مانند «بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو (۱۲۶۹-۱۲۷۰)» (مرشدی‌زاد، کشاورز شکری و احمدپور ترکمانی، ۱۳۸۹)، «بررسی نقش زنان در جنبش تنباکو» (علم و رضوی سوسن، ۱۳۹۲)، «نقش و کارکرد حرم مطهر احمدبن موسی‌الکاظم شاه‌چراغ در تحولات سیاسی و اجتماعی شیراز در جنبش‌های تنباکو و مشروطیت» (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۷)، را می‌توان از دسته پژوهش‌های وقایع‌نگارانه خواند. اما برخی پژوهش‌ها مانند «جنبش تنباکو و پیدایی مردم در عرصه سیاست» (شجاعی‌زند و فرهنگی، ۱۴۰۰) به روش تحلیل گفتمان با استفاده از تئوری نوشته شده است. این مقاله نیز اولین کنش‌گری مردم ایران را در طول تاریخ در جنبش تنباکو می‌داند و جنبش تنباکو را نقطه عطف حضور مردم در عرصه سیاسی ایران می‌داند. پژوهش‌های روایی، رخداد جنبش تنباکو را نه در یک بستر اجتماعی-سیاسی پیشینی، بلکه این جنبش را به‌صورت منفرد بحث کرده‌اند. همچنین برخی از تحقیقات وقوع جنبش تنباکو را نه به کنش‌گری نیروهای سیاسی و اجتماعی داخلی، بلکه نقش نیروهای خارجی و به‌ویژه روسیه را در این مورد اساسی می‌دانند که در جهت حفظ منافع خود در مقابل دولت انگلیس، مخالفت خود را با این قرارداد اعلام کرده است. در حالی که به‌زعم محقق بایستی این جنبش را در بسترهای سیاسی-اجتماعی قبل‌تری که از آن زمان شکست جنگ‌های ایران و روس آغاز شده بود، بررسی کرد. همچنین باید موازنه را بین نقش‌آفرینی نیروهای اجتماعی سیاسی داخلی و نیروهای خارجی به دور از افراط و تفریط رعایت کرد. در این راستا به‌زعم محقق نظریه آرچر قوت تبیینی بیشتری برای چگونگی تکوین این جنبش دارد. در نظریه تلفیقی مارگارت آرچر نه الزامات ساختاری سرکوب‌گرانه پذیرفته است، که طبق آن سیستم‌ها کاملاً تعین‌گر باشند و نه خواست آزادانه افراد، سرشار از امکانات پر استعداد و از لحاظ سیاسی وارهیده‌ای که برای برتری خود با ساخت‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از نظر آرچر، همه این‌ها ناشی از برآیندهای در حال تکوین‌اند و ساخت‌ها، خواه‌ناخواه و به طرق مختلف، دچار بازآفرینی یا دگرگونی می‌شوند. در جنبش تنباکو نیز کنش‌گران قدرتمند و عادی در مقابل ساختار سیاسی استبدادی در خصوص واگذاری امتیاز رژی مخالفت کردند و به کنش‌گری در این ساختار استبدادی پرداختند. با عنایت به اینکه هدف نظریه تلفیقی آرچر، کشف این نکته است که عاملین و ساختارها چگونه با یکدیگر ارتباط دارند و از رابطه دیالکتیک بین این دو، واقعیت‌ها چطور شکل می‌گیرند. می‌توان ادعان کرد که نظریه آرچر قوت تبیینی بیشتر و مؤثرتری برای بررسی جنبش

ساختارها و بسط و پرورش ساختارها به وسیله کارگزاران است. با در نظر داشتن مؤلفه زمان، تقدم و تأخر، هر یک از این دو مؤلفه دستخوش تغییر می‌شوند؛ بنابراین ساختارها هم می‌توانند علت باشند و هم معلول، چنانکه عاملان هم این‌گونه‌اند (پارکر، ۱۳۸۶، ۱۱۸-۱۲۲). بنابراین تلفیق عاملیت و ساختار از نظر آرچر از این‌قرار است. اول: شرایط از پیش موجود (ساختارها) که بستری برای کنش اجتماعی به حساب می‌آید. دوم: کنش متقابلی که در این بستر برای دستیابی به اهداف معین انجام می‌شود. سوم: پیامدهای کنش متقابل اجتماعی که ممکن است منجر به پرورش ساختاری شرایط کنش شود، به بیان دیگر ساختارها و کارگزاران دستخوش تغییر شوند. در نهایت این عاملان و ساختارهای تغییر یافته به بستر و شرایطی برای کنش‌های بعدی تبدیل می‌شوند (تصویر ۱). به بیان آرچر: اساساً در کنش دو مجموعه از نیروهای علی است که تعیین می‌کند چگونه ساختارها، کارگزاران را مشروط و مقید می‌سازند. از یک‌سوی، نیروها و خواص ساختاری و فرهنگی به صورت سودمندانه کارگزاران را از رهگذر اعمال محدودیت‌ها و توانمندسازی تحت تأثیر قرار می‌دهند. از سوی دیگر، توان بازاندیشی کارگزاران امکان بررسی برنامه‌ها و طرح‌های لازم برای تأمین نیازهایشان در جامعه را برای آنها فراهم می‌آورد و اجازه می‌دهد در مسیر تأمین این نیازها گام بردارند (Archer, 2002, 5).

با این اوصاف در نظریه ریخت‌یابی آرچر پیوند وثیقی میان حال، گذشته و آینده برقرار می‌شود. بدین صورت که کنش‌های در زمان حال در بستر ساختارهای از پیش موجود (زمان گذشته) انجام می‌گیرد و همین کنش با تأثیرگذاری روی ساخت‌های اجتماعی و به واسطه همین ساختارها کنش‌های آینده را محدود و مشروط می‌سازد (پارکر، ۱۳۸۶، ۱۲۱). مفاهیمی از قبیل «واقعیت لایه-لایه»، «تکوین» و «مشروط‌سازی»^۴ در اینجا از اهمیت اساسی دارند. منظور از واقعیت لایه به لایه این است که واقعیت‌های اجتماعی از لایه‌های مختلفی تشکیل

قالب نظریه‌های متعدد تا دهه ۱۹۷۰ میلادی تداوم یافت تا در زمینه ظهور نسل جدیدی از تئوری‌های تلفیقی را فراهم آورد. تلفیق‌گرایان، پیروان رویکرد ساختارگرایی را به خاطر نادیده گرفتن عاملیت و رویکرد تفسیرگرایی را به خاطر نادیده گرفتن ساختار، تقلیل‌گرا قلمداد کرده و خود به تبیین نظریه‌ای تلفیقی با رابطه‌ای دیالکتیکی و بازتابنده می‌پردازند (گلابی، بوداچی و علی‌پور، ۱۳۹۴، ۱۱۸). در نهایت رهیافت تعامل‌گرا و تئوری‌های تلفیقی برای سامان دادن به این چندپارگی نگرشی اولین بار در آثار آنتونی گیدنز^۱ و بوردیو^۲ دیده شد و بعدها در آثار آرچر^۳ و باسکار^۴ خوانش‌های جدیدی یافت (پارکر، ۱۳۸۶، ۵۵-۵۸). ناظر بر این، محقق در این مقاله با تأکید بر نظریه تلفیقی مارگارت آرچر، در تلاش است تا با نگاهی به تحولات اجتماعی-سیاسی در دوره حکومت قاجاریان، کنش‌گری نیروهای سیاسی و اجتماعی را در مقابل حکومت استبدادی ناصرالدین شاه بررسی کند.

مارگارت آرچر در سال ۱۹۸۲ مقاله‌ای تحت عنوان «ریخت‌یابی در مقابل ساخت‌یابی: درباره تلفیق ساخت و کنش»^۵، نوع جدیدی از هستی‌شناسی اجتماعی را مطرح و آن را «ریخت‌یابی» یا به تعبیر برخی ترجمه‌های فارسی، تکوین شکل^۶ خواند (King, 2010, 1). ریخت‌یابی «مطالعه به وجود آمدن و دگرگون شدن شکل‌های مختلفی از رابطه» است. بنابراین نظریه ریخت‌یابی به دنبال یافتن تفسیری از «رابطه‌های» مختلف بین ساخت و عاملیت است که به تبیین این موضوع یاری برساند که چرا موارد خاص این رابطه به شکل کنونی آن وجود دارند (پارکر، ۱۳۸۳، ۱۱۸ و ۱۱۷). این رهیافت شأنیت مستقلی برای هر یک از این دو مؤلفه قائل است؛ اگرچه این استقلال صرفاً در مقام تحلیل و برای تبیین همزیستی غیرقابل انفکاک این دو مقوله و نه در مقام وجودی است. بدون وجود انسان‌ها، واقعیت اجتماعی وجود ندارد و این واقعیت خود را به واسطه کنش انسان آشکار می‌سازد. از لحاظ تحلیلی، نسبت کارگزار و ساختار، رابطه بین مشروط‌سازی (و نه جبر) عاملان به واسطه

شرایط (از پیش موجود) ساختاری

دوره اول

تعاملات اجتماعی

دوره سوم

دوره دوم

بسط ساختاری

دوره چهارم

تعداد افراد کمتر، توانستند ایرانیان را شکست دهند. این نوع برداشت، عباس میرزا و قائم مقام را به فکر تلاش‌هایی نوگرایانه واداشت و در مرحله اول برای آموزش در امور مختلف نظامی از مستشاران فرانسوی دعوت به عمل آورد (سلیمی، ۱۳۹۰، ۷۸). همچنین توجه عباس میرزا به ترجمه متون اروپایی، روزه‌ای از معارف جدید را به روی ایرانیان باز کرد. ضمن اینکه اعزام محصلین به غرب و آشنایی با علوم و فنون غربی، از دیگر اقداماتی بود که وی برای گذر از عقب‌ماندگی ایران انجام داد (حسین طلایی و نجفیان رضوی، ۱۳۹۰، ۶). اعزام محصلین به اروپا برای کسب دانش‌های جدید، ایجاد چاپخانه و ترجمه کتاب‌های غربی موجب شد تا اندیشمندان ایرانی و به‌ویژه کنش‌گران سیاسی، جامعه ایرانی را در مقابل غرب عقب‌مانده بدانند. با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، امیر کبیر، نهضت عباس میرزا را ادامه داد و به تأسیس دارالفنون اقدام کرد و از معلمان اروپایی برای تدریس دعوت کرد (آدمیت، ۱۳۵۱، ۳۶۲). در ادامه سپهسالار نیز، به مهیا کردن سفر ناصرالدین شاه به اروپا به قصد آگاه کردن شاه از پیشرفت جامعه اروپایی اقدام کرد. وی به‌طور کلی به اخذ تمدن اروپایی معتقد بود. هم‌زمان نویسندگانی مانند آخوندزاده، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، ملکم خان، مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف، مستشارالدوله، جلال‌الدین میرزا، نویسندگانی بودند که از عقب‌ماندگی ایران در مقایسه با غرب می‌نوشتند و در جست‌وجوی راهی برای جبران این عقب‌ماندگی بودند (بهنام، ۱۳۹۱). کنش‌گران اجتماعی و سیاسی که تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی بودند، ابتدا دو عامل فناوری جدید و حاکمیت قانون را مایه اقتدار و آبادانی اروپا دانستند. تلاش در هر دو زمینه آغاز شد، اما بعد به این نتیجه رسیدند که حکومت مسئول و منضبط مهمتر است. با توجه به اینکه در این دوره اروپا به‌ویژه از روزه روسیه و انگلستان و فرانسه در برابر چشم و گوش ایرانیان قرار گرفت و به‌صورت الگوی سحرآمیز قدرت و رفاه و ترقی تجلی کرد. قشر روشنفکر که بسیاری از اشراف قاجار و مقامات دولتی را نیز دربرمی‌گرفت، نهایتاً قانون را کلید این رمز بزرگ شگفت‌انگیز یافت. قانون برای آنها با حکومت پاسخگو مترادف شد و بعدها با آزادی و استقرار قانون، جان و مال مردم را از آسیب تصمیم‌های خودکامه در امان نگه می‌داشت و آنها کم‌وبیش بر این باور بودند که برای تبدیل ایران به کشوری آباد و مقتدر همین کافی است (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۶۲-۵۳). آشنایی روشنفکران ایرانی با اندیشه‌های نو که در اروپا پدید آمده و تحولات ژرف و شگرف ایجاد کرده بود، موجب ایجاد یک رابطه دیالکتیکی بین روشنفکران و ساختار سیاسی استبدادی شد. دیالکتیکی که بین ساختار سیاسی استبدادی و کنش‌گران آگاه، ایجاد شد. منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اصلاح‌طلبی سیاسی و

می‌شوند و سهم هر کدام از این واقعیت‌ها قابل تبیین است. «تکوین یافتن» نه تنها مجالی برای فعالیت‌های وابسته به ساختارها فراهم می‌کند، بلکه کسب ویژگی‌های مستقل را هم برای آنها امکان‌پذیر می‌سازد. «مشروط‌سازی» امکان می‌دهد این ویژگی‌های ساختی مستقل کسب‌شده، متعاقباً کنش را ملزم و مجبور سازند، اما نه به شکلی که عاملیت کنش‌گران از آنها سلب شود به‌طوری‌که نتوانند بر برآیندها اثر بگذارند. در این حال، هم قدرت کنش‌گران و هم قدرت سیستم‌ها قویا تأیید می‌شود و رابطه هر دو به دلیل توالی زمانی آنها محدود می‌شود (Archer, 1979, 25-42). بنابراین مشروط‌سازی، از نظر آرچر آن است که کنش‌گران در ساختارها، ناگزیر، مقید و ملزم می‌شوند، ولی در مورد شکل معینی که خود الزامات می‌گیرند، می‌توانند تصمیمی بگیرند، کنش‌گران عاملان تغییرات تاریخی هستند، به‌رغم آن‌که کنش همواره در زمینه ساختاری از پیش شکل گرفته شروع می‌شود، چنین زمینه‌هایی ضرورتاً با استواری به‌هم‌تنیده نیستند و الگووار فرصت‌هایی را در اختیار کنش‌گران می‌گذراند تا جهت پیشرفت را نوسازی کرده و تغییر دهند. آرچر هويت مستقلی برای هرکدام از عاملیت و ساختار از نظر تاریخی قائل است اما قائل به صلبیت و تعیین‌گیری هیچ‌کدام از آنها به‌طور مداوم نیست. آرچر در این راستا تأکید دارد که سیستم‌ها الف) نسبتاً خودمختارند، ب) بر عامل‌ها نسبتاً تعیین‌گری دارند، و ج) به نحوی علی‌تربخش هستند، ضمن آن‌که این ادعاها مستلزم شیء‌سازی انسان نیست (پارکر، ۱۳۸۳، ۱۲۵). بنابراین در نظریه تلفیقی آرچر بایستی اذعان کرد که تلفیقی از ساختارها و کنش‌گران اجتماعی، به‌عنوان یک مجموعه علی‌باعث ظهور پدیده‌های اجتماعی می‌شود (Harvey, 2002, 264) و این ظرفیت مناسبی را برای بررسی پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌کند. به عبارتی ماهیت جداگانه قائل شدن برای فرد و جامعه موجب می‌شود تا بتوانیم تأثیرات علی‌متقابل فرد و جامعه را تبیین کنیم (هاشمی و گلایی، ۱۴۰۱، ۹۱).

در ادامه محقق با تأکید بر نظریه تلفیقی مارگارت آرچر، به چگونگی تکوین جنبش تنباکو خواهد پرداخت. نظر به اینکه ساختارها و بسترهای پیشین رخدادها در نظریه آرچر اهمیت اساسی دارد و این بسترها را برای تکوین واقعیت اجتماعی اساسی می‌داند، لذا محقق ابتدا به بسترهای اجتماعی و سیاسی جنبش تنباکو از شروع جنگ‌های ایران و روس می‌پردازد. تجاوز روس‌ها به ایران در اوایل قرن ۱۹ میلادی، علی‌رغم نتایج تلخ، دستاورد مهمی را نصیب عباس میرزا و وزیرش میرزا عیسی قائم‌مقام کرد و آن آگاهی و پی بردن به ضعف تجهیزات نظامی ایران در مقابل قوای روس بود. زیرا، نیروهای روسی به دلیل داشتن نظم نظامی و فنون جدید با

تنباکو و سپس نیز با تأکید بر نظریه آرچر، به تحلیل و تبیین این جنبش بپردازد. شاید بتوان گفت که در سده نوزدهم تنباکو مهم‌ترین کشت صنعتی ایران به‌شمار می‌رفت. تنباکو هم مصرف داخلی داشت و هم به ترکیه صادر می‌شد. در این ایام، به دلایل اهمیت اقتصادی برخی از رجال سیاسی پیشگام شده و در خصوص اثرگذار بودن آن بر اقتصاد ملی، پیشنهادهای به ناصرالدین شاه ارائه دادند. به‌طور کلی قصد این بود که جایگاه تنباکو در اقتصاد ملی کشور بازشناخته شود. ناظر بر این، در سال ۱۸۶۵، برای اولین بار علیقلی خان اعتضادالسلطنه، نوشته‌ای را در خصوص انحصار توتون و تنباکو تقدیم ناصرالدین شاه کرد. این نخستین طرح ملی بود که از بابت تنباکو نوشته شده بود. دومین طرح انحصار را محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در ۱۸۸۶ میلادی با عنوان «کلید استطاعت» نوشت و چند ماه بعد قانون اداره انحصاریه تنباکو و توتون و متفرعات آن را در بیست و یک فصل تدوین و به ناصرالدین شاه تقدیم کرد (ناطق، ۱۳۷۳، ۷۳-۶۱). با همه اینها، در داخل کشور توجهی به این پیشنهادات نشد. در این اوضاع و احوال بود که شاه برای سومین بار عازم اروپا بود. به گفته تیموری، در تحریض و تشویق شاه به این مسافرت، انگلیسی‌ها دخالت داشتند و به‌واسطه میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان او را به انگلستان می‌خواندند. منظور انگلستان از این اصرار آن بود که اولاً می‌خواستند به‌واسطه امتیاز تأسیس بانک و تراموای در ایران که تازه به آنها واگذار شده بود، اظهار امتنان دولت انگلیس را به ناصرالدین شاه ابراز نمایند و ثانیاً تقاضاهای بعدی خود را در همانجا عرضه بدارند. انگلیسی‌ها مأموریت این کار را بر عهده تالبوت که از مشاورین و نزدیکان لرد سالیسبوری و نخست وزیر انگلیس بود، واگذار کردند (تیموری، ۱۳۶۱، ۲۵ و ۲۴). ظاهراً مذاکره درباره واگذاری انحصاری تنباکوی ایران در شهر برایتن شروع شد، زیرا هنگامی که ناصرالدین شاه در نقاط مختلف انگلستان گردش می‌کرد اعتمادالسلطنه با مازور تالبوت مدت یک هفته در این شهر اقامت کرد و تالبوت در این مدت درباره توتون و تنباکوی ایران و چگونگی انحصار آن در این کشور از اعتمادالسلطنه تحقیقاتی کرد و پس از اخذ اطلاعات لازمه از ایشان، با امین‌السلطان وارد مذاکره شد و وقتی دانست که آنها به انجام شدن این امر بی‌میل نیستند، دریافت با دادن رشوه به شاه و وزیراعظم و دیگر متنفذین می‌تواند به مقصود نائل شود. پس از ورود ناصرالدین شاه و امین‌السلطان به شهر برایتن تالبوت به کمک ولف، با دادن وعده‌های فریبنده امین‌السلطان را با خود همراه کرد و نهایتاً امین‌السلطان این موضوع را با شاه در میان نهاد و آن را یک گنج بادآورده‌ای خواند. نهایتاً ناصرالدین شاه، مازور تالبوت را به ایران دعوت کرد و قول و وعده داد

اجتماعی شد (سلیمان‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۶). در این راستا بود که روشنفکران به حکومت استبدادی ناصرالدین شاه انتقادات بسیاری وارد می‌کردند، این انتقادات در روزنامه‌های خارج کشور شدت بیشتری دارد. روزنامه‌هایی مانند قانون در لندن و اختر در استانبول در چاپ آرای این روشنفکران پیشگام بود. باید اذعان کرد که آغاز کنش‌گری فکری و سیاسی در دل ساختار استبدادی، از زمان فتحعلی شاه ابتدا با افرادی همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده آغاز شده بود. از این زمان تا دهه آخر حکومت ناصرالدین شاه، رابطه دیالکتیکی بین کنش‌گران سیاسی و حکومت استبدادی حاکم بود، اما علی‌رغم تلاش روشنفکران، ناصرالدین شاه به‌عنوان ظل‌الله، مالک الرقاب و رعیت پناه، سلطه عظیمی بر جان، مال و ناموس مردم داشت. وی مالکیت کل اراضی را از آن خود می‌دانست. در اعطای مزایا و واگذاری امتیازات و انحصارات دارای اختیار مطلق بود. با تنظیم تولید و قیمت در مواقع مختلف و خرید و فروش و انبار کردن ارزاق به کرات در اقتصاد دخالت می‌کرد. حرف خود را مادام که علناً با شرع اسلام مغایرتی نداشت، قانون می‌دانست (آبراهامیان، ۱۳۸۰، ۴۴). کرزن انگلیسی در خصوص حکومت مستبد ناصرالدین شاه آورده است: برآستی وی نمونه ممتاز زمامداری مطلق است. زیرا که عاری از مسئولیت و فعال مایشاء است و حق بی‌حد و حصری نسبت به جان و مال هر یک از اتباع خویش دارد. فرزندانش استقلال جداگانه ندارند و دور از امکان نیست که در چشم به هم‌زدنی به خاک پستی یا فقر و تنگدستی فرو افتند. وزیران بنا بر میل ملوکانه برقرار یا خوار می‌شوند. فرمانروا یگانه وجود مالک‌الرقاب است و تمام افراد رسمی اختیاراتی از جانب او دارند و هیچ مرجع رسمی نیست که قادر باشد حقوق و مزایای وی را محدود سازد یا آن را تغییر دهد (کرزن، ۱۳۸۰، ۵۱۳ و ۵۱۲). حال در دهه ۱۸۹۰ از شکل‌گیری نحل‌های فکری، چندین دهه‌ای گذشته بود و در این دوران انتقادات روشنفکران سیاسی به حکومت استبدادی اوج گرفته بود. واگذاری امتیاز تنباکو نیز وقتی انجام شد که جریان روشنفکری در ایران نسبتاً ریشه‌دارتر شده بود. به‌طوری که بسیاری از کنشگران سیاسی، به‌ویژه در خارج از کشور، تصمیمات و رفتارهای استبدادی ناصرالدین شاه را زیر سؤال می‌بردند، که ملوک از مهمترین آنها بود. بنابراین وقتی در این اوضاع و احوال، امتیاز انحصاری توتون و تنباکو از طرف ناصرالدین شاه واگذار شد، نظر به بسترهای اجتماعی و سیاسی پیشینی، ائتلافی محکم و سخت علیه حکومت در ایران شکل گرفت و این ائتلاف هدفمند در جهت مقابله با یک امر سیاسی استبدادی بود. محقق در ادامه تلاش دارد ابتدا به اهمیت و ضرورت توتون و تنباکو در شرایط زمانی و مکانی پرداخته و پس از آن نگاهی به چگونگی واگذاری انحصاری توتون و

(کدی، ۱۳۵۶، ۵۵-۸۰). از روزنامه‌های رسمی کشور نیز، روزنامه ایران خبر انحصار نامه تالبوت را اعلام داشت. با انتشار این خبر، نخست روس‌ها با این موضع‌گیری، که انحصارنامه مغایر با پیمان ترکمانچای است، مخالفت خود را اعلام نکردند (ناطق، ۱۳۷۳، ۹۰). زیرا از نظر سفارت روسیه این امتیاز اصل آزادی تجارت مطرح در قرارداد ترکمانچای را نقض کرده بود. بنابراین دولت روسیه انعقاد قرارداد توتون و تنباکو را در ضد منافع خود می‌دید و به همین دلیل فوراً اعتراض خود را به دربار ایران اعلام کرد (فولادی، ۱۳۹۴، ۴۲). به گفته کربلائی، با همه اعتراضات انجام‌شده، هفده ماه پس از انعقاد قرارداد، هیأتی از سوی کمپانی با هدف شروع و اجرا قرارداد وارد تهران شدند و مأمورین خود را برای اجرای قرارداد به تمام شهرها و ایالات تنباکوخیز از جمله ایالت فارس گسیل داشتند. زیرا که فارس مهم‌ترین منطقه تنباکوخیز ایران بود. همزمان با خبر ورود قریب الوقوع کارکنان کمپانی، بازاریان و مردم شیراز جهت اعتراض به شکل گسترده‌ای در مساجد جمع شدند. اعتراض بازاریان با حمایت و پشتیبانی علما شاخص شیراز همراه شد. از میان علما، میرزا هدایت‌الله (دستغیب)، میرزا محمدعلی (محلّاتی) و رهبری بلامنازع آیت‌الله سیدعلی‌اکبر فال اسیری بود. سخنرانی‌های آیت‌الله سیدعلی‌اکبر فال اسیری در ماه مبارک رمضان موجب تعطیل بازار و کیل شد. در پی تعطیلی بازار و اجتماع بازاریان در مسجد وکیل، وی در پایان یکی از سخنرانی‌هایش شمشیری را از زیر عبا بیرون آورد و با قاطعیت اعلام کرد: «موقع جهاد عمومی است، ای مردم بکشید جامه ذلت نپوشید. من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات بیاید شکمش را با این پاره خواهیم کرد». تعطیلی بازار شیراز موجب گسترده شدن دامنه اعتراضات و به سرعت تبدیل به اعتصاب عمومی بازارهای عمده کشور به‌خصوص تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، قزوین، یزد و کرمانشاه شد. در میان اعتصابات که بازاریان به راه انداخته بودند، علما و روحانیون نیز در پی کسب تکلیف از مرجع بزرگ شیعیان، میرزای شیرازی بودند. نهایتاً او پس از چندین بار ارسال نامه به ناصرالدین شاه، فتوای تاریخی خود را صادر کرد: «الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان است» (کربلائی، ۱۳۶۱، ۲۵-۱۰۴).

یافته‌های تحقیق

آرچر با در نظر گرفتن تمایز تحلیلی بین ساختار و عاملیت، امکان نظریه‌پردازی در مورد تأثیرات انسان‌ها بر جامعه یا بالعکس را بین ابژه و سوژه در طول زمان نشان می‌دهد و از «ادغام نامیدکننده» جامعه با انسان اجتناب می‌کند (Archer، 2010، 228-247). بنابراین کنش‌گری در دل ساختار سیاسی

که امتیاز انحصار دخانیات ایران را به وی واگذار نماید. نهایتاً ناصرالدین شاه با واگذاری این امتیاز که مقارن با عید نوروز سال ۱۲۶۹ شمسی بوده موافقت کرده و قرارداد را امضاء کرد. به موجب این قرارداد انحصار خریدوفروش و صدور تمام توتون و تنباکوی تولیدی ایران به مدت ۵۰ سال به کمپانی تالبوت واگذار شد (کربلائی، ۱۳۶۱، ۷-۲۷). در مقابل وی متعهد شده بود سالانه مبلغ پانزده هزار لیره پرداخت کرده و پس از پرداخت کلیه مخارج و سود سهام به میزان پنج درصد، یک ربع از منافع سالانه را به ناصرالدین شاه بپردازد. این امتیاز هر عملی در مورد تنباکو را مطلقاً به کسب اجازه از صاحب امتیاز، مشروط می‌ساخت. در عوض صاحب امتیاز به توتونکاران وعده می‌داد که در مقابل محصولاتشان، پول نقد به آنها بپردازد و احياناً محصول آنها را با نرخ بهره نازلی پیش خرید نماید (کدی، ۱۳۵۶، ۴۰). به محض انتشار واگذاری امتیاز توتون و تنباکو، نخستین اعتراض به امتیازنامه تنباکو از خارج کشور و از روزنامه اختر^۸ که ایرانیان در استامبول منتشر می‌کردند، برخاست. دو مقاله در این روزنامه انتشار یافت که در هر دو به واگذاری چنین امتیازی اعتراض شده بود. در مقاله اول آمده بود که دولت ایران با واگذاری این نوع امتیازات حقوق مملکت و ملت را به رایگان در اختیار اجنبی‌ها قرار داده است. مقاله دوم هنگامی نوشته می‌شد که ماژور تالبوت در راه سفر به ایران در استانبول توقف کرد. مدیر روزنامه اختر پس از مصاحبه با وی، واگذاری امتیاز تنباکو در ایران را با عثمانی مقایسه و اعلام کرد با اینکه محصول تنباکوی عثمانی کمتر از ایران است ولی سالیانه از اداره رژی معادل هفتصد هزار لیره عثمانی می‌گیرد، خمس مداخل به دولت و توتونی که به خارج می‌رود نیز از قید انحصار آزاد است (آژند، ۱۳۶۷، ۸۶ و ۸۵). روزنامه اختر، با چاپ این مقالات، پرده از ناعادلانه بودن این امتیازنامه برداشت و ایرانیان را از عواقب این کار آگاه کرد. این مقاله پس از گزارش گفتگوی نویسندۀ مقاله با میجر تالبوت، زبان‌های بزرگی را خاطر نشان می‌ساخت که در صورت انحصاری شدن تنباکو متوجه زارعین، تجار و صادرکنندگان تنباکوی ایران می‌شد. در این مقاله بار دیگر امتیاز تنباکوی ایران با امتیاز تنباکوی ترکیه که در آن، دولت عایدی خیلی بیشتری دریافت می‌داشت در حالی که رژی در آنجا انحصار صدور تنباکو را در دست نداشت، مقایسه شده بود (کدی، ۱۳۵۶، ۵۵-۸۰). روزنامه صباح در خصوص انحصار دخان در ممالک ایران از روی روزنامه‌های فرنگستان به انعقاد قرارداد توتون و تنباکو پرداخته و در ضمن مقایسه آن با انحصار توتون و تنباکو در عثمانی، از ناعادلانه بودن این امتیاز خبر داد (تیموری، ۱۳۶۱، ۳۳). همچنین در ژوئیه ۱۸۹۰، ملکم خان در روزنامه قانون از واگذاری میراث مسلمانان به ماجراجویان بیگانه به‌طور کلی شکوه کرده بود

این بود که به‌طور پنهانی به میرزای شیرازی در خصوص ظلم‌های ناصرالدین شاه و همچنین در خصوص ناعادلانه بودن واگذاری امتیاز توتون و تنباکوی ایران نامه نوشت. وی همچنین نامه‌ای به تمام علما نوشت و در آن همه علما را در برابر ناصرالدین شاه به مبارزه دعوت کرد. در بخشی از نامه وی به علما آمده است: «هر کس خیال کند خلع این پادشاه جز با قشون و توپ و بمب ممکن نیست خیال بیهوده‌ای کرده. چون یک عقیده و ایمانی در کله مردم رسوخ کرده و در آنها جا گرفته و آن این است که مخالفت با علما، مخالفت با خداست و راستی هم همین‌طور هست و پایه مذهب هم روی این عقیده است. ای قرآنیان اگر شما حکم خدا را درباره این مرد غاصب ستمکار اجرا کنید، اگر بگویید به حکم خدا اطاعت این مرد حرام است، مردم از گردش پراکنده شده و خلع وی بدون جنگ و کشتار انجام می‌شود» (تیموری، ۱۳۶۱، ۵۰). میرزا رضای کرمانی از شاگردان سیدجمال نیز از سرسخت‌ترین مخالفین امتیاز تنباکو بودند. وی مردم را علناً به شورش برای لغو امتیاز توتون و تنباکو دعوت می‌کرد و در این باره بین مردم نطق می‌کرد و بیانیه می‌داد (همان، ۶۳-۵۰). نقش کنش‌گرانی سیاسی مانند ملکم خان و روزنامه‌نگاران نیز بسیار حائز اهمیت است، زیرا اولین بار این نیروهای سیاسی بودند که در روزنامه‌های خارج کشور، اعتراضات خود را انتشار داده بودند. نهایتاً عدم توجه حکومت به اعتراضات، موجب شد که علما رهبری جنبش را به‌دست گیرند و اعتراضات علنی‌تر شد. اعتصاب‌های عمومی، با حمایت فتوای مذهبی تحریم استعمال تنباکو، فراتر رفت و به‌صورت تحریم تنباکو از سوی مصرف‌کنندگان در سراسر کشور درآمد. روسیه، مجتهدان کربلا، سیدجمال‌الدین در استانبول، ملکم خان در لندن، تظاهرکنندگان تهدیدگر در خیابان‌های تهران و حتی افراد حرمانه شاهی از تحریم مصرف‌کنندگان پشتیبانی کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۰، ۶۷). تحریم توتون و تنباکو، دامنه اعتراضات را به داخل حرم شاهی کشید و زنان دربار پیرو فتوای میرزا در کنار معترضان صف‌آرایی کردند. اگرچه مشارکت زنان در جنبش تنباکو نخستین حرکت سیاسی زنان برعلیه حکومت قاجار به‌شمار نمی‌آید، اما نقش آنان در تقویت و پیروزی آن حائز اهمیت بسیاری است (علم و رضوی سوسن، ۱۳۹۲، ۷۲). از میان زنان دربار، انیس‌الدوله سوگلی شاه به پیروی از فتوای تحریم، علناً شرب قلیان را در محوطه حرم ممنوع ساخت. این عمل بی‌شک شاه را به لغو امتیاز رژئی ترغیب کرد (امانت، ۱۳۸۵، ۵۶۸ و ۵۶۹). همچنین در کانون‌های اصلی این قیام یعنی تبریز، شیراز و تهران حضور و مشارکت زنان بسیار چشمگیر بود. گروهی از زنان در تبریز به رهبری زینب پاشا در این قیام حضور داشتند. به‌طوری‌که وقتی ناصرالدین شاه آقا علی ملقب به امین را برای آرام کردن اوضاع

دوره ناصرالدین شاه با این نظریه قابل تبیین است. طبق نظریه آرچر، باید ابتدا شرایط و بستر این جنبش را بررسی کنیم. آرچر مدعی است، شرایط پیشینی است، اما الزاماً جبری نیست و همیشه راهی برای تغییر وجود دارد. شرایط پیشینی مردم و حکومت نیز قبل از جنبش تنباکو، استبدادی است و مردم هیچ‌گونه سهمی در اداره امور کشور ندارند. وی علی‌رغم تأکید اولیه بر ساختارها، تعیین‌گری صرف را به ساختارها نداده بلکه در تبیین پدیده‌های اجتماعی به رابطه دیالکتیکی بین آن دو تأکید می‌کند. وی می‌پذیرد که در طول تاریخ ممکن است، گهگاهی عامل‌ها و گهگاهی هم‌ساختارها تعیین‌گر باشند و نباید انتظار داشت که موازنه عاملیت و ساختارها کاملاً در همه زمان‌ها مساوی باشد، بلکه ممکن است گاهی یکی از این‌ها تعیین‌گر باشند (باقری و نظریان، ۱۳۹۷، ۱۰۵). علی‌رغم شیوه حکومت استبدادی ناصرالدین شاه، باید نگاهی به تحولات اجتماعی-سیاسی قرن ۱۹ داشته باشیم. در نیمه دوم قرن نوزدهم، از نظر فرهنگی، شیوه‌های فکری غرب به تدریج در افکار و آراء تعدادی از افراد ایرانی بازتأیید و در جامعه ایران جریان یافت و کنش و واکنش‌هایی را به‌بار آورد. رفت‌وآمدها، بده‌بستان‌های فرهنگی، مراوده‌های تجاری و بازرگانی و مناسبات دیپلماتیک با کشورهای غربی، رفته‌رفته فرهنگ و تمدن غربی را در بطن و متن جامعه ایران اشاعه داد (آژند، ۱۳۶۷، ۱). یکی از کارکردهای شیوع فرهنگ و تمدن غربی در ایران، شروع انتقادات به‌ویژه انتقاد به شیوه حکومتی استبدادی بود. زیرا روشنفکران ایرانی، یکی از مهمترین موانع تجدد و توسعه را در ایران، شیوه حکومتی استبدادی می‌دانستند. به دلیل وضعیت استبدادی و ترس از حکومت، بسیاری از انتقادات به حکومت استبدادی، در خارج از کشور و در روزنامه‌ها چاپ می‌شد، که ملکم خان از پیشگامان این امر بود. بنابراین یک رابطه دیالکتیکی از سال‌ها قبل بین سیستم استبدادی و کنش‌گران برقرار شده بود. حال به محض اطلاع این کنش‌گران قدرتمند از واگذاری انحصار توتون و تنباکوی ایران، به اعتراض و بسیج عمومی برخاستند. به‌طور کلی اعتراض‌های داخل کشور را می‌توان در ذیل سه گروه کنش‌گران قدرتمند طبقه‌بندی کرد: الف) کنش‌گران قدرتمند اقتصادی، ب) کنش‌گران قدرتمند دینی و ج) کنش‌گران قدرتمند سیاسی. در خصوص اقدام کنش‌گران قدرتمند اقتصادی باید گفت که برای اولین بار امین‌الدوله اعتراض تجار و بازرگانان را نسبت به اعطای امتیاز به ناصرالدین شاه اعلام کرد، اما ناصرالدین شاه، توجهی به این اعتراض نکرد. در ادامه شکل‌گیری نحله‌های اعتراضی، می‌توان به سیدجمال‌الدین اسدآبادی از کنش‌گران قدرتمند دینی اشاره کرد. وی از اولین کسانی بود که بر ضد واگذاری این امتیاز، موضع‌گیری کرد. از مهمترین اقدامات وی

اوباشان که از هیچ مناهی و معاصی روگردان نیستند و در مرئی و منظر خاص و عام مرتکب هر نوع گناه و کار زشتی می‌شدند، چپق‌های خود را شکستند و خرده تکه‌های آن را جلو عمارت کمپانی انباشتند» (میرسجادی، ۱۳۸۶، ۳۶ و ۳۷). در کنار این نیروهای داخلی، نقش دولت روسیه و تلاش‌های این دولت جهت الغای قرارداد نیز به وضوح دیده می‌شود. دولت روسیه، کارکرد واگذاری این امتیاز را نفوذ هر چه بیشتر انگلیسی‌ها می‌دانست. به‌همین دلیل به‌محض آگاهی از این موضوع، هرچه سریع‌تر اعتراض خود را به دربار ایران اعلام کرده و در کنار معترضان داخلی، جهت لغو امتیاز تلاش کردند. با عنایت به این امر، نقش عوامل خارجی به‌ویژه روسیه در پیروزی این جنبش غیرقابل انکار است، اما از طرفی نباید الغای قرارداد را صرفاً به تلاش‌های این دولت تقلیل داد. بلکه باید اذعان کرد که همه نیروهای داخلی در این جنبش هر کدام سهم خاص خود را داشته و نقش آفرینی کرده‌اند. این نیروها عبارتند از: الف) کنش‌گران قدرتمند اقتصادی شامل بازرگانان توتون و تنباکو، بازاریان و نهایتاً خرده‌فروشان توتون و تنباکو، کشاورزان و زمین‌داران بزرگ، توده‌های مصرف‌کنندگان توتون، ب) مراجع تقلید شیعه و علما به‌ویژه در شهرهای بزرگ مثل شیراز، تبریز، تهران و همچنین نقش بسیار اثرگذار رهبری میرزای شیرازی در خصوص صدور حکم حرام بودن استعمال توتون و تنباکو، ج) نیروهای سیاسی یا روشنفکران از جمله ملک‌خان و سید جمال‌الدین اسدآبادی با انتشار مقالاتی در روزنامه‌های قانون و اختر، و همچنین نامه‌ای که به‌ویژه سیدجمال به علما و به میرزای شیرازی نوشت، د) نقش زنان دربار ناصرالدین شاه و همچنین نقش زنان در اعتراض شهرهای بزرگ و ه) نقش توده‌های مردمی. گام سوم در نظریه آرچر، کارکرد یا نتیجه رابطه دیالکتیکی بین ساختار و کنش‌گران است. نتیجه این رابطه دیالکتیکی، عقب‌نشینی حکومت از اقدام خود بود. پیرو تلاش‌های نیروهای ذکرشده در بالا، ناصرالدین شاه فرمان لغو قرارداد را صادر کرد. این موفقیت از ابعاد مختلفی دارای برکاتی در تاریخ ایران شد، به‌طوری برخی‌ها اولین خودآگاهی ایرانیان را در این جنبش می‌دانند. زیرا پس از این جنبش، تعامل حکومت با نیروهای سیاسی به‌ویژه با علما بیشتر شد. طبق نظریه رئالیسم انتقادی که آرچر تحت تأثیر آن است، وقتی واقعیتی در جامعه شکل می‌گیرد، خود در بازتولید واقعیت‌های بعدی اثرگذار می‌شود، به‌همین دلیل برخی‌ها نقش جنبش تنباکو را در شکل‌گیری انقلاب مشروطه بسیار اساسی می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در تاریخ نظریه‌های جامعه‌شناسی، ساختارگرایان وقتی به کنش‌های انسانی قائل نمی‌شوند، در مقابل، کنش‌باوران نیز

به همراه هدایایی برای جلب توجه مجتهدان به تبریز فرستاده بود. زنان انجمن بزرگی تشکیل دادند و اعلام داشتند که اگر امین وارد تبریز شود، وی را خواهند کشت (علم و رضوی سوسن، ۱۳۹۲، ۷۲ و ۷۳). ائتلاف سه گروه قدرتمند کنش‌گران داخلی، عرصه را برای ناصرالدین بسیار تنگ‌تر می‌کرد. در این زمان قدرت بازرگانان از توان اقتصادی آنها، قدرت علما از نفوذ مذهبی و ایمان مردم و قدرت نیروهای سیاسی از اطلاعات علمی آنها ناشی می‌شد. به لحاظ اهمیت قضیه، برای بازرگانان ضررهای اقتصادی و برای علما نیز رواج شیوه زندگی غربی‌ها در کشور اهمیت به‌سزایی دارد. زیرا ممالک غربی به هر حال همراه سیاست‌های اقتصادی خود، راه و روش و شیوه‌های تفکر و زندگی خود را وارد می‌کردند و این خواه‌وناخواه بنیادهای مذهبی و فکری و کلاً فرهنگ ایران را تکان می‌داد و متزلزل می‌ساخت (آزاد، ۱۳۶۷، ۱۰-۴۴). در خصوص نفوذ شیوه فرهنگ و زندگی غربی در آن دوره، کربلائی می‌نویسد: هنگامی که تالبوت در اوایل رجب ۱۳۰۸ ه.ق. برای راه‌اندازی کارها وارد تهران شد، همراه وی تعدادی اروپایی نیز بودند که در رأس کارهای شرکتی قرار داشتند. وی تعداد این فرنگیان را عدد اغراق آمیز ۲۰۰ هزار نفر می‌نویسد که با آمدنشان به ایران، ایران را «فرنگی بازار» درست و حسابی کردند. به‌خصوص تهران را که به هر کجا می‌رفتی از فرنگی قیامت و محشر شده بود. به دنبال این امر، «خانه فرنگی»، «دکان فرنگی»، «بازار فرنگی»، «کوچه فرنگی» با استقلال هر چه تمام‌تر شروع به کار کردند (کربلائی، ۱۳۶۱، ۲۵). با این حضور، به یقین شیوه زندگی انگلیسی‌ها بر ایرانیان نیز تأثیر می‌گذاشت و این به‌ویژه علما و روحانیون را آزار می‌داد. حتی برخی‌ها استقلال ایران را در خطر می‌دیدند. به تعبیر میرزا حسین قلی خان نظام‌السلطنه؛ رژی در حقیقت یک سلطنت مقتدره تشکیل داده بود، اگر این عمل دو سال پیاپی استقرار داشت، بدون زحمت تمام خاک ایران در تصرف مشروع رژی بود (مظاهری، ۱۳۹۸، ۱۴۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد، استعمار فرهنگی در این خصوص بیشتر توجه علما و روحانیون جلب کرد. علی‌رغم اعتراضات این سه گروه کنش‌گران قدرتمند، حکومت در ابتدا وقتی به اظهارات آنها نکرد و اقدام به تنبیه و تبعید این کنش‌گران کرد. پیرو مخالفت‌های بازرگانان و علما و نیروهای سیاسی، ائتلافی عجیب به‌ویژه میان این سه نیروی اجتماعی رقیب در عرصه اجتماعی و سیاسی، در تقابل با سلطنت، شکل گرفت و در ادامه توده‌های مردمی را نیز با خود همراه کرد. به‌طوری که بسیاری از مورخان اشاره دارند که تحریم تنباکو به طبقه‌ای خاص از مردم اختصاص نداشت، قیام متعلق به صنف خاصی نبود. در این نهضت سرمایه‌داران و مستمندان، مرد و زن، شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد و حتی برخی درباریان شرکت داشتند و چنان‌که کربلائی گفته است: «دانش‌مندی‌ها و

به این خودآگاهی دست یافتند که نتیجه تسلیم شدن به این امر سیاسی، منجر به خسران مالی شد و در نتیجه از تجار بزرگ گرفته تا کشاورزان و زراعین وابستگی اقتصادی به این کمپانی خواهند داشت. در این راستا مراجع بزرگ شیعه و روحانیون شهرهای بزرگ نه تنها به تبعات اقتصادی این قرارداد می‌اندیشیدند، بلکه به تبعات فرهنگی و نفوذ فرهنگ بیگانه بر کشور حساسیت بیشتری نشان می‌دادند. به‌زعم علما، اهمیت استعمار فرهنگی که در نتیجه این واگذاری برای ایرانیان به دست می‌آمد، بیشتر از استعمار اقتصادی بود. زیرا خیل عظیمی از مردم انگلیس، که در شهرهای ایران و به‌ویژه در تهران حضور یافته بودند، سبک زندگی و فرهنگ غربی را در بین مردم ایران نشر می‌دادند و این با فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اسلامی منافات داشت. روشنفکران سیاسی نیز استقلال سیاسی کشور را در خطر می‌دیدند. در خصوص نقش دولت روسیه در این جنبش، بررسی‌ها نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن همه تلاش‌های داخلی انجام شده در این جنبش، بسیار تقلیل‌گرایانه خواهد بود اگر فقط نقش دولت روسیه را پر رنگ و مردم ایران را صرفاً بازیچه دست این دولت ببینیم. زیرا نیروهای معترض متشکل از این سه گروه چه مراجع بزرگ و چه روشنفکرانی مثل ملکم خان و چه تجار بزرگ، چنان خودآگاهی داشتند که بتوانند به سنجش سود و زیان انعقاد این قرارداد بیندیشند. علی‌رغم این، نگارنده در کنار کنش‌گری این سه نیروی سیاسی و اجتماعی بزرگ، نقش روسیه را در الغای این قرارداد مهم می‌داند. زیرا واقعیت‌ها نشان می‌دهد که این دوران مصادف با مسابقه امتیازگیری دو دولت انگلیس و روس از دولت ایران است و حکومت ایران نیز با واگذاری امتیازات سعی در حفظ موازنه سیاست شرق و غرب و در نتیجه واگذاری این امتیازات، به پایداری سلطنت خود فکر می‌کرد. بنابراین در کنار نیروهای داخلی، نقش دولت روسیه قابل انکار نیست و می‌توان در به ثمر رسیدن این جنبش نقش روسیه را به وضوح مشاهده کرد. از نیروهای دیگری که پس از فتوای مرجع بزرگ میرزای شیرازی به این جنبش پیوستند، زنان دربار و در شهرهای بزرگ هستند. پیوستن زنان دربار، نفوذ روحانیت را تا دل دربار شاهنشاهی نشان می‌داد و مخالفت زنان در شهرهای بزرگ نیز نشان از حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است و زنان از این تاریخ به بعد در عرصه اجتماعی ایران حضور جدی‌تری پیدا می‌کنند. با نگاه به نظریه آرچر می‌توان گفت که افراد، رها از بند فشار ساختارهای سیاسی نیستند؛ و این در حالی است که ساختارهای سیاسی مستقل از تفکر انسان نیز وجود دارد، اما در تحلیل نهایی، محیط زندگی انسان را تعیین نمی‌کنند. به ثمر رسیدن جنبش تنباکو نشان داد، نه ساختارهای سیاسی آن چنان صلبیت و تعیین‌کنندگی دارند که

در تبیین پدیده‌های اجتماعی به ساختارها توجهی نمی‌کنند، در این میان تلاش برخی از اندیشمندان در جهت گذر از تنگناهای هر کدام از این دیدگاه‌ها منجر به شکل‌گیری رویکردهای نظری تلفیقی شد. آرچر از اندیشمندان طرفدار رویکرد تلفیقی، تلاش کرد تا در تبیین پدیده‌های اجتماعی نقش هر کدام از عاملیت‌ها و ساختارها را در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی مشخص کند. ناظر بر این، محقق در این مقاله به دنبال چگونگی تکوین جنبش تنباکو براساس نظریه آرچر بود. بررسی واقعه جنبش تنباکو و به نتیجه رسیدن این جنبش در دل یک ساختار سیاسی مستبد نشان می‌دهد که صلبیت و تعیین‌گری ساختارها دائمی نیست و راه تغییر در دل ساختارهای سیاسی استبدادی نیز ممکن است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظریه آرچر از قابلیت تبیین بیشتری برای بررسی جنبش تنباکو در مقابل نظریه ساختارگرایان است، زیرا ساختارگرایان ارزشی برای کنش‌گری نیروهای انسانی قائل نمی‌شوند و این تحولات و تغییرات انجام شده در تاریخ را نمی‌توانند تبیین نمایند. بنابراین در این تحقیق، رویکرد ساختارگرایی قابلیت تبیین برای این جنبش ندارد. طبق نظریه آرچر، ساختارها، پیشینی، اما الزاماً جبری و دائمی نیستند. در این جنبش، رابطه پیشینی بین مردم و حکومت استبدادی وجود داشته است و مردم قبل از جنبش تنباکو، هیچ سهمی در مدیریت امور کشوری نداشتند. در کنار این شیوه حکومت، از دهه سوم قرن ۱۹، یعنی بعد از شکست دوم ایران در جنگ با روس، آرام‌آرام، نیروهای سیاسی در ایران، به‌ویژه تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی قرار گرفتند. این روشنفکران علل عقب‌ماندگی ایران را در شیوه حکومت استبدادی می‌دیدند و مسئولیت عقب‌ماندگی ایران را متوجه حکومت می‌دانستند. با توجه به اینکه واگذاری انحصار تنباکوی ایران در سال ۱۸۹۰، انجام می‌شد، چندین دهه از آگاهی کنش‌گران ایرانی می‌گذشت و این کنش‌گران به‌ویژه نیروهای سیاسی و اقتصادی، تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی بودند. به این نکته باید تأکید کرد که کنش‌گران سیاسی، در حرکتی که از زمان فتح‌علی شاه با تلاش روشنفکرانی همچون آخوندزاده شروع شده بود، آرام‌آرام در بررسی علل انحطاط جامعه ایران، استبداد را عامل اصلی می‌دانستند. بنابراین مبارزه با استبداد از مدت‌ها قبل شروع شده بود. حال به محض واگذاری انحصاری توتون و تنباکو، ابتدا نیروهای سیاسی مانند ملکم خان، و روزنامه‌هایی که در ترکیه انتشار می‌یافت، سریعاً به این حرکت، واکنش نشان دادند و از تبعات و خسران‌های این قرارداد، پرده برداشتند. در این میان باید توجه کرد این واگذاری امتیاز، از ابعاد متفاوتی برای کنش‌گران معترض مطرح بود. به‌عنوان مثال به لحاظ اقتصادی بازرگانان و تجار بزرگ هرچه بیشتر

تغییر ناممکن باشد و نه عاملان آزادی بی‌حد و حصر دارند، بلکه تاریخ حاکی از تعامل دوسویه ساختارها و عامل‌ها و گهگاهی نقش بیشتر هر کدام از آنها را حکایت می‌کند. باید به این نکته نیز اشاره کنیم، وقتی واقعیتی در جامعه شکل می‌گیرد، در بازتولید واقعیت‌های بعد از خودش اثرگذار می‌شود. در این راستا می‌توان گفت جنبش تنباکو، در شکل‌گیری انقلاب مشروطه نقش مؤثری ایفا کرده است.

پی‌نوشت

1. Giddens
2. Bourdieu
3. Margaret archer
4. Baskar
5. Morphogenesis versus Structuration: on combining structure and action
6. morphogenesis
7. conditioning
8. شماره ۲۱، سال هفدهم، مورخ سه شنبه ۲۵ جمادی اولی، سال ۱۳۰۸.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۰). *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی* (ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی). چاپ چهارم. تهران: مرکز.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون: عصر سپهسالار*. تهران: خوارزمی.
- آژند، یعقوب. (۱۳۶۷). *قیام تنباکو*. تهران: امیرکبیر.
- امانت، عباس. (۱۳۸۵). *قبله عالم ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳)* (ترجمه حسن کامشاد). چاپ سوم. تهران: کارنامه.
- باقری، شهلا و نظریان، رضا. (۱۳۹۷). رهاورد جامعه‌شناس مسلمان در تنقیح دوگانه ساختار و عاملیت (بررسی موردی سه نظریه). *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ۴(۱)، ۹۳-۱۱۸.
- بهنام، جمشید. (۱۳۹۱). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. چاپ چهارم. تهران: فروزان روز.
- توحید فام، محمد و حسینیان امیری، مرضیه. (۱۳۸۸). *فراسوی کنش و ساختار*. تهران: گام نو.
- تیموری، ابراهیم. (۱۳۶۱). *تحریم تنباکو: اولین مقاومت منفی در ایران*. چاپ سوم. تهران: سپهر.
- پارکر، جان. (۱۳۸۳). *ساختاربندی* (ترجمه امیرعباس سعیدی‌پور). تهران: آشتیان.
- پارکر، جان. (۱۳۸۶). *ساخت‌یابی* (ترجمه حسین قاضیان). تهران: نی.
- حسین طلایی، پرویز و نجفیان رضوی، لیلا. (۱۳۹۰). *علل گرایش به ترجمه کتاب‌های تاریخی در عصر قاجار (با نگاهی به جریان‌های عمده ترجمه در ایران)*. پژوهش‌نامه انتقادی متون و

- برنامه‌های علوم انسانی، ۱۱(۲۲)، ۱-۱۴.
- سلیمان‌نژاد، فرهاد و همکاران. (۱۴۰۲). *طلایه‌دار مدرنیسم سیاسی در ایران: میرزا فتحعلی آخوندزاده*. تهران: اگر.
- سلیمی، ابتهاج. (۱۳۹۰). *مستشاران خارجی در ایران (از آغاز ورود تا سلطنت محمدشاه قاجار)*. *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۱۲(۴۷)، ۷۷-۹۶.
- شجاعی‌زند، علیرضا و فرهنگی، مهرداد. (۱۴۰۰). *جنبش تنباکو و پیدایی «مردم» در عرصه سیاست*. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۳(۱)، ۱۹۵-۲۱۸.
- شفیع سروستانی، مسعود. (۱۳۹۷). *نقش و کارکرد حرم مطهر احمدبن‌موسی‌الکاظم شاه‌چراغ در تحولات سیاسی و اجتماعی شیراز در جنبش‌های تنباکو و مشروطیت*. *رهیافت فرهنگ دینی*، ۱۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۰.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۹). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. چاپ دوم. تهران: بهزاد.
- علم، محمدرضا و رضوی سوسن، زهرا. (۱۳۹۲). *بررسی نقش زنان در جنبش تنباکو*. *روان‌شناسی فرهنگی زن (زن و فرهنگ سابق)*، ۴(۱۵)، ۷۱-۷۸.
- فولادی، داراب. (۱۳۹۴). *بررسی مقایسه‌ای نقش روسیه و انگلستان در دو جنبش اجتماعی معاصر ایران: جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت*. *علوم سیاسی*، ۱۱(۳۰)، ۳۵-۵۲.
- فی، برایان. (۱۳۸۱). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی: نگرشی چند فرهنگی* (ترجمه خشیار دیهیمی). تهران: طرح نو.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۸۷). *استبداد در ایران*. تهران: اختران.
- گلابی، فاطمه؛ بوداقتی، علی و علی‌پور، پروین. (۱۳۹۴). *مروری تحلیلی بر تلفیق عاملیت و ساختار در اندیشه پیربودیو. پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر*، ۴(۶)، ۱۱۷-۱۴۳.
- هاشمی، میرداد و گلابی، فاطمه. (۱۴۰۱). *فرایند تلفیق در نظریه ریخت‌یابی مارگارت آرچر*. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۸(۱۱۲)، ۷۹-۹۵.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی* (ترجمه حسن افشار). تهران: مرکز.
- کدی، نیکی ر. (۱۳۵۶). *تحریم تنباکو در ایران* (ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی). نیویورک: مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- کربلانی، حسن. (۱۳۶۱). *قرارداد رژی ۱۸۹۰ م یا تاریخ انحصار دخانیه در سال ۱۳۰۹ ه.ق*. چاپ دوم، تهران: مبارزان.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران* (ترجمه وحید مازندرانی). چاپ پنجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *چشم‌اندازهای جهانی* (ترجمه محمدرضا جلائی‌پور). تهران: طرح نو.
- مرشدی‌زاد، علی؛ کشاورز شگری، عباس و احمدپور ترکمانی،

Journal of Critical Realisms, 5, 11-20.

- Archer, M. (2010). Morphogenesis Versus Structuration: on Combining Structure and Action. *The British Journal of Sociology*, 33(4), 455-483.
- Archer, M., & Morgan, J. (2020). Contributions to Realist Social Theory: An Interview with Margaret S. Archer. *Journal of Critical Realism*, 19(2), 179-200.
- Harvey, D. L. (2002). Agency and community: A critical realist paradigm. *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 32(2), 163-194.
- King A. (2010). The odd couple: Margaret Archer, Anthony Giddens and British social theory. *The British Journal of Sociology: shaping Sociology Over 60 Years*, 61(1), 253-260.

بابک. (۱۳۸۹). بسیج و اقدام سیاسی در نهضت تنباکو (۱۳۷۰-۱۲۶۹). دانش سیاسی، ۶(۲)، ۱۷۷-۲۰۶.

- مظاهری، ابودر. (۱۳۹۸). بزرگ‌نمایی نقش بیگانگان در نهضت تحریم تنباکو و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری نهضت. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۶(۵۹)، ۱۳۳-۱۵۴.
- میرسجادی، محمدکاظم. (۱۳۸۶). *میرزای شیرازی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ناطق، هما. (۱۳۷۳). *بازرگانان: در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین‌الضرب)*. چاپ دوم. تهران: توس.
- Archer, M. (1979). *Social Origins of Educational Systems*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Archer, M. (2002). Realism and the Problem of Agency.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
هاشمی، میرداود و اقبالی، مولود. (۱۴۰۲). بررسی تکوین جنبش تنباکوی ایران با تأکید بر نظریه مارگارت آرچر. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۱(۴۱)، ۱۸-۲۹.

DOI: 10.22034/JACO.2023.366258.1269
URL: https://www.jaco-sj.com/article_181760.html

